

بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی از سخنرانی پنج‌شنبه، ۲۱ مرداد ۱۳۸۹

آیه مورد بحث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

تکلیفِ روزه گرفتن مخصوص امت اسلامی نیست

غیر از محوری که در این آیه کریمه وجود دارد و آن ایجاب و واجب کردن روزه بر مؤمنین است، نکات دیگری هم ذکر شده است. مطلبی که به عنوان مقدمه باید مطرح شود، این است که تکلیفی که در این آیه کریمه برای مؤمنین آمده است، تکلیفی شاق و کار با مشقتی نیست که خدای متعال بر دوش مسلمین گذاشته باشد و مؤمنین به ادیان آسمانی دیگر، مثل مسیحیت و یهودیت، زیر بار چنین تکالیفی نرفته باشند. با عبارت «كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» خدای متعال تصریح به این نکته فرموده است که کار مشکلی ما از شما نخواسته‌ایم. قبل از شما هم مکلف به این تکلیف بوده‌اند، بلکه طبق بعضی از روایات روزه آن‌ها این‌گونه بوده که در بیست و چهار ساعت بیش از یک بار اجازه نداشتند غذا بخورند.

دو احتمال در وضع ادیان آسمانی به وسیله حق تعالی

مقدمه‌ی دیگری که ذکر آن برای بیان این کریمه مفید به نظر می‌رسد، این است که ابتدا ما باید بفهمیم که سِرّ نزول ادیان آسمانی توسط انبیاء سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین برای مردم چه بوده و خدای متعال با وضع مقررات و احکام و در اختیار انبیاء قرار دادن برای انتقال به مردم، چه انگیزه و هدفی را دنبال کرده است. دو احتمال در وضع ادیان آسمانی به وسیله حق تعالی وجود دارد. این دو احتمال اجمالاً مورد اختلاف بین افراد، حتی افراد مسلمان و حتی افراد شیعه وجود دارد.

یکی از افراد معروف زمان ما که اهل قلم است و اجمالاً توجه گروهی از جوانان تحصیل‌کرده را به سوی خود جلب کرده، قائل به یکی از این دو احتمال است، که متأسفانه به نظر بنده، او و شخص دیگری که در فن بیان از ایشان قوی‌تر است، هر دو انحراف دارند و حقیقت امر را درک نکرده‌اند. اطلاعات و آگاهی آن‌ها نه تنها از اسلام، بلکه از ادیان آسمانی کم است. ظاهراً یکی از آقایان معروف اهل منبر را که بی‌فضل نیست، اما در یک بُعد خاصی نسبت به گروه متوسط از مردم و نه گروه تحصیل‌کرده، کارایی دارد، را برای مقابله با او و سخنرانی برای همان گروه افراد تحصیل‌کرده، به خارج از کشور می‌فرستند. نهایتاً این بزرگوار روحانی، رقیبی را که در دل‌ها نفوذ کرده، تکفیر می‌کند؛ در واقع او حریف مناسبی برای مبارزه در این میدان و انتخاب او انتخاب صحیحی نبوده، زیرا باعث این تهمت و اهانت به روحانیت شده است، که ایشان وقتی حرف منطقی برای گفتن ندارند، تکفیر می‌کنند.

این نوع برخورد با توجه به عملکرد معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین، هنگامی که در مقابل‌شان افرادی پیدا می‌شدند که در آن زمان اصطلاحاً به آن‌ها زندیق یا دهری می‌گفتند و الان لائیک گفته می‌شود، صحیح نیست. در

فرمایشات حضرت صادق صلوات‌الله‌علیه، عموماً مطالبی در این زمینه دیده می‌شود، خصوصاً در نقلهایی در مورد هشام‌بن‌حکم که ظاهراً جوان‌ترین و قوی‌ترین شاگرد آن حضرت در بحث و مجادله و استدلال بود. در روایتی آمده است، که یک روز حضرت در مورد غیبت چند روزه هشام‌بن‌حکم از او سوال کردند. گفت شنیدم که زندیقی در بصره هست که مردم را دور خود جمع کرده و مدعایش این است که مردم امام نمی‌خواهند. همان‌طور که در بحث قبلی مطرح شد، مسئله ولایت نسبت به مردم یک مسئله فطری است که اختصاص به مسلمان‌ها ندارد، حقیقت ولایت در کمونیست‌ها هم هست، چون اگر نباشد نمی‌توانند اجتماع خود را اداره کنند. اگر انسان روح مطلب را بفهمد، با تغییر لغت در مطلب گم نمی‌شود؛ گم شدن برای این است که دسترسی به باطن مطلب پیدا نکرده است. از آن زمان شیطان تا می‌توانسته با مهره‌های خود، ارتباط بین مردم با اولیاء الهی را قطع می‌کرده است. همان‌طور که اگر انسان به هر دلیلی بخواهد بیماری از بیماری خود نجات پیدا نکند، یکی از راه‌هایش این است که رابطه این بیمار را از پزشکش قطع کند. مثلاً از این پزشک بدگویی کند تا بیمار دیگر به نسخه او عمل نکند. شیطان از این فرمول، یعنی انکار مقام امامت و ولایت، خیلی استفاده کرده است.

ما باید بفهمیم که هدف خدای متعال از وضع مقررات چیست

خدای متعال وقتی مجموعه مقرراتی به نام دین را برای یک گروه از مخلوقات خود، از انسان‌ها در هر زمانی می‌فرستد، ما باید بفهمیم که هدف او از وضع این مقررات چیست؟ بعضی‌ها به غلط می‌گویند که انبیاء آمده‌اند که احکام نماز و روزه مردم را بگویند. نماز صبح چند رکعت است، نماز ظهر چند رکعت است، نماز مغرب چند رکعت است و این‌ها حق دخالت کردن در مسائل اجتماعی مردم، اعم از اقتصادی، سیاسی و نظامی را ندارند. این تحصیل‌کرده‌ای هم که در لندن سخن‌رانی می‌کرد، عقیده‌اش این است و نوشته‌هایش را هم بنده دیده‌ام. این نظریه غلط است، زیرا همین‌طور که ما تکالیف فردی داریم، تکالیف جمعی هم داریم. آن کسی که قدرت دارد در تکالیف فردی، من فرد را به گونه‌ای اداره کند که هم در دنیای خودم و هم در آخرت خودم موفق باشم، به من می‌گوید ربا نخور، چیز نجس نخور، چیز حرام نخور؛ یک سری از احکام هم در رابطه با جامعه به ما گفته و برای ما ذکر کرده است. هر دینی هم احکام فردی و هم احکام جمعی دارد.

اعمال و کارهای ما در این دنیا، در قیامت نقش دارد

اگر چنانچه این دنیا و اعمال و کارهای این دنیا هیچ نقشی در قیامت نداشت، ممکن بود که انسان این حرف را به گونه‌ای توجیه کند، ولی وقتی که دین ما می‌گوید و قرآن کریم می‌فرماید که همین کارهای دنیای شما است که برای شما ذخیره می‌شود و آن طرف به شما تحویل می‌دهیم، این به معنای نقش اساسی داشتن است. اگر از انسانی که در پاییز در زمین بذر می‌پاشد، بپرسند که این کار شما در این سال دیگر، آخر تابستان، گندم درو بکنی، چه نقشی دارد؟ می‌گوید اصل آن همین است.

وقتی که ما می‌بینیم که کسانی که ولی حق تعالی و خلیفه‌الله هستند می‌فرمایند که "تحصدون ما تزرعون"، یعنی آن طرف خط هر چیزی تحویل می‌گیرید همان‌هایی است که در دنیا که مزرعه آخرت است، کشت کرده‌اید؛ نقش دنیا در آخرت این اندازه است. پس بنابراین مطالب است که درک می‌کنیم عملکرد فردی یا جمعی در این دنیا، در موفقیت یا عدم موفقیت در آخرت نقش دارد. پس این که گفته می‌شود که انبیاء آمده‌اند که فقط احکام نماز و روزه را بگویند و دنیای ما با خودمان است، می‌فهمیم این حرف نادرست است. اگر ما قبول کرده‌ایم که "تحصدون ما

تزرعون"، یعنی برداشت‌کننده، آنچه را که در زمان خودش کشت کرده است، همان را برداشت می‌کند، اگر ما این اصل را پذیرفتیم که "الدنيا مزرعة الآخرة"، شکی نیست که ما سریعاً به بطلان این حرف حکم کنیم که آن شخص یکی از اصول خود قرار داده است. نتیجه‌ای که او می‌خواست از این حرف بگیرد این بود که روحانیون در کار دنیایی مردم دخالت نکنند و دانشمندان هستند که در مورد مصالح مردم تصمیم می‌گیرند. حقیقت این امر انکار آخرت و انکار رابطه دنیا با آخرت است، که در نهایت به این نتیجه منجر می‌شود که عوام، بدون درک صحیح، می‌گویند که ما قییم نمی‌خواهیم.

شکی در این نیست که این نشئه، یعنی این دنیا و برنامه‌های این دنیا و عملکرد این دنیا تمام نقش را برای آخرت دارد، اما تفاوت، در تفاوت رشد است. گندم را وقتی در خاک می‌گذارید یک دانه است، ولی هنگام برداشت مثلاً هفتصد دانه شده است. لذا اگر جو بکارید، جو و اگر گندم بکارید، گندم درو می‌کنید. به تعبیر روایات، اگر سوء و شر کاشتید، آن‌جا منتظر نتیجه بد آن باشید و اگر در این‌جا خیر انجام دادید، آن‌جا هم منتظر گرفتن چندین برابر خیر باشید. اگر امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه فرموده، "اليوم عمل و لا حساب و غذا حساب و لا عمل"، امروز روز کشت است و فردا، یعنی روز بعد از مرگ، روز درو؛ اگر این راست است، پس آن کسی که می‌گوید من شیعه هستم، باید طوری حرف بزند که با فرمایش امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه تناقض نداشته باشد.

ما چهره‌ی برزخی کارهایی که در دنیا می‌کنیم را نمی‌دانیم

پس فرضیه اول باطل و اصلاً فاسد است. این نظر که انبیاء برای آخرت آمده‌اند و به دنیای ما کاری ندارند، بلکه دنیای ما در اختیار خودمان است، نظر نادرستی است. دلیل آن هم این است که ما چهره‌ی برزخی این کارهایی که در دنیا می‌کنیم را نمی‌دانیم. شما خیال می‌کنید که روزه در هر صورتی خوب است. نماز شب و تا صبح ایستادن در هر صورتی خوب است. در حالی که چنین نیست. امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه بعد از جنگ صفین با اشاره به یکی از کشته‌شدگان دشمن، به آن فرد از اصحاب خود این نکته را تذکر داد؛ که آن قاری قرآن در نیمه شب و با آن سوز و گداز که تو شیفته آن حال او شده بودی، اکنون در صف دشمن جای گرفته است. این شعور را دانشمند نمی‌تواند به من و شما بیاموزد، دانشمند مثل من و شما است، یعنی گرفتار و اسیر طبیعت و هوای نفس است. درک واقع باید از کانالی باشد که آن کانال گرفتار هوای نفس، غضب و شهوت نباشد، یعنی معصوم باشد.

ما چه‌طور می‌توانیم ادعا کنیم که ما می‌توانیم چهره برزخی کارها را بفهمیم؟ امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه در بعضی از فرمایشاتشان می‌فرمایند که این‌قدر آدم‌های روزه‌خوار و آن‌هایی که از شب تا صبح می‌خوابند هستند که از روزه‌گیرها و آن‌هایی که تا صبح می‌ایستند و ناله می‌کنند بهتر هستند، و آن‌ها روزه‌شان به درد نمی‌خورد. در روایات تصریح دارد که از آن روزه چیزی جز گرسنگی و تشنگی و الم و ناراحتی نصیب‌شان نمی‌شود، از آن روی پا ایستادن، از شب تا صبح، چیزی غیر از درد پا و خستگی و دور ماندن از لذت خواب نصیب‌شان نمی‌شود. فهمیدن این واقعیت‌ها چشمی غیر از چشم سر می‌خواهد، که آن چهره برزخی اعمال را ببیند. ما نداریم، پس به معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین احتیاج داریم. چه‌طور می‌توانیم بگوییم ما به این‌ها احتیاج نداریم و قییم نمی‌خواهیم. ما اگر شعور داشته باشیم، باید به خدا التماس کنیم که خدایا قیمی از این قبیل به ما عطا بکن که از این کانال، یعنی کانال علم تو و ولایت تو اطلاعاتش را بگیرد. حال اگر معصوم نشد، غیر معصومی که اقلاً نود درصد، هشتاد درصد

نتیجه مطلوب تامین شود. نسبت به آن مقدار هم که اشتباه کرده، بنابر فرموده همه علما، معذور است، تا صاحب شریعت ان‌شاءالله تشریف بیاورند.

با رد نظریه اول، نظریه دوم باقی می‌ماند که این است که ما در هر دو بُعد، در کارهای دنیایی و کارهای آخرتی، به انبیاء سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین و آن کانالی که از آن کانال برای ما اصول، قوانین، ضوابط و احکامی آورده‌اند، محتاج هستیم. اگر بگوییم نه این نظریه صحیح است و نه آن، ارتفاع متناقضین می‌شود، اگر بگوییم هم این صحیح است و هم آن، اجتماع متناقضین می‌شود، که هر دو محال است.

چشم ما واقع‌بین نیست و عینک رنگی دارد. خدای متعال یک چشم دلی به ما بدهد که واقعیات را آن‌طوری که هست ببیند. این امر منحصر به دریافت از همان کانال غیب است. همه ادیان آسمانی که ریشه الهی دارد، البته قبل از تحریف، آن مقداری که مربوط به دنیا بوده، بر حسب واقع مسائل و موضوعات دنیا بوده و آن مقداری هم که مربوط به آخرت بوده، آن هم مطابق با واقع بوده است. بنابراین اگر ما، خود را دوست داشته باشیم، باید تسلیم این قانون و مقررات شویم. مگر این‌که به تعبیر قرآن بخواهیم کُنده جهنم بشویم و مثل هیزم بسوزیم.

در مباحث آتی ان‌شاءالله به معنی کلمه و بیان حقیقت صوم و صیام و مراتب آن و اختلاف تعبیراتی که در روایات هست، خواهیم رسید. این‌که خدای متعال که به ما این احکام را تحمیل کرده ظالم نیست، عادل و رؤف و حکیم است. اگر چنان‌چه عقل به ما می‌گوید که خیر ما در این است، پس تشنگی و گرسنگی‌اش را هم تحمل می‌کنیم.

انسان‌ها تا قیامت تحت تاثیر واقعه عاشورا خواهند بود

در مقاتل نوشته‌اند که وقتی محمد حنفیه به خیال خود برای ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه خیرخواهی کرد عرض کرد که شما از این سفر منصرف شوید، حضرت فرمود که نه، این سفری است که رضای خدای متعال با این سفر محقق می‌شود، "إن الله شاء أن يراک قتيلاً". عرض کرد "فما بالک بهؤلاء النسوة"، این زن و بچه را چرا همراه خود می‌بری؟ حضرت فرمودند که جدم به من فرمودند: "إن الله شاء أن يراهن سبايا"، این‌ها هم متمم آن برنامه‌ای هستند که رضای خدا در اجرای آن برنامه است، این‌ها را هم به این جهت می‌برم. خدا می‌داند چه اسراری در این مسائل عاشورا و کربلا و این مسافرت وجود دارد، که تاکنون یک‌هزارم آن هم بیان نشده است. تا قیامت، وقتی به انسان‌ها، با هر زبانی و اهل هر کجا باشند، گفته شود که چنین جریاناتی روی این کره زمین در یک سالی، واقع شده است، آن‌ها هم تحت تأثیر واقع می‌شوند و از انحراف‌شان دست برمی‌دارند و معتقد و مؤمن به صاحب این جریانات و به آن کسی که محور این جریانات بوده، می‌شوند.